

نقد برنامه پرسش و پاسخ اعلیحضرت

(۱)

نکته های تاکیدی

امیرفیض- حقوقدان

اعلیحضرت رضاشاه دوم با شادی و وجدی که کمتر از ایشان دیده شده است حضور خود را در برنامه جدید الولاده ای بنام پرسش و پاسخ اعلام فرمودند و این فرصت تازه رابه یمن پیشرفت های تکنولوژی ارزانی مردم ایران دانستند خوشحالی و مسرت اعلیحضرت از این برنامه در حدی تاثیرگذار بر بنده شد که مانع است تا برداشتهای از این برنامه جدید را انطور که در تکلیف میهنی و مصالح تداوم پادشاهی است بتحریر اورم و احتیاط را لازم و تحت الشعاع مسرت و شادمانی اعلیحضرت گرفتم و به مصداق توصیه سعدی

رنج خود و شادی یاران طلب

رضایت دادم براه تحمل و صبر، که صبر میگوید <گرسبرکنی کنار رود ابرهای سیاهی که اکنون خود نما شده است که این ابرها (برنامه پرسش و پاسخ) موقتی است.>

جراثشاط فوق العاده

آمار و ارقام، مطمئن ترین وسیله است که میتواند باب احتجاج و شک را از مورد قیاس دورسازد، این تحریر برای پاسخ به نشاط غیرمترقبه اعلیحضرت در استقبال از برنامه پرسش و پاسخ به سراغ ارقام میرودم.

شاید بسیاری یادشان نباشد و یا حاضر و مستمع برنامه نبوده اند که اعلیحضرت بهنگام عرضه طرح امروز فقط اتحاد به ملت ایران خبر دادند که:

<موجب خوشبختی است که پاسخ و واکنش مثبتی که از این پیام گرفتم بسیار زیاد بود سایت من در اینترنت از ان هنگام هر روز بطور متوسط ۲۸،۰۰۰ بار مراجعه داشته است

(سخنرانی اعلیحضرت در انجمن ملی مطبوعات آمریکا اسفند ۷۷)

<ظرف ۴ سال گذشته ۷۰ میلیون پیام روی اینترنت سایت من آمده که بیشترین آنها از ایران بوده و عقاید مرا پذیرفته اند.>

(مصاحبه با هیئت تحریریه مجله پولیتیک انترناسیونال سال ۷۷)

<۱،۲۰۰،۰۰۰ ایرانی در خارج از کشور طرفدار سلطنت مشروطه اند.> (مصاحبه با کاتال سوم فرانسه)

<خوشوقتم به اطلاع هم میهنانم برسانم که ظرف دو ماه دویست هزارپیام روی سایت من آمده است>
(مصاحبه با رادیو صدای ایران)

بجاست که به جملاتی هم به نظرات اعلیحضرت اشاره شود؛ فرمودند:

>از زمانی که پیام من در داخل مملکت پخش شد واقعا یک هجوم وسیع از ارتباطات برقرار شد؛ در حدی که بزحمت ازش برمیآیمخواهش دارم که حتی المقدور کمکی باشند در جمع آوری اطلاعات به خود من<.

(مفصل درسنگر ۴۲۱+۳۳۲) = مصاحبه با رسانه های گروهی لوس آنجلس)

اکنون جواب پرسش

زبان سرخ سرسبز میدهد بر باد

اکنون میتوان پاسخ اینکه چرا اعلیحضرت از برنامه پرسش و پاسخ استقبالی چنین استثنائی همراه با وجد و شادمانی فوق العاده داشته اند، دریافت گردد.

اعلیحضرت در دهه ۷۰ با استقبال عظیم ایرانیان روبرو بوده اند که استقبال ایرانیان از برنامه پرسش و پاسخ قطره ای هم در مقابل استقبال دهه ۷۰ محسوب نمیشود.

پاسخ میتواند چنین باشد

با نگاه محترمانه ای به کارنامه سیاسی اعلیحضرت متوجه میشویم که ایشان در محور هیچ کار اجرائی در مدت مزبور قرار نداشته اند که فصل صدمه به اعتبارایشان مطرح شود یعنی شکست و یانارسائی اقدامات ایشان سبب ضربه ای به اعتبارایشان بشود همان کارنامه سیاسی اعلیحضرت نشان میدهد که هر قدر ایشان بیشتر در باب کارهای اجرائی صحبت فرموده اند بیشتر اعتبار و اعتماد عمومی مردم را از دست داده اند **یعنی درست ضرب المثل <زبان سرخ سرسبز میدهد بر باد>**

پس از آنکه افول اعتبار و شخصیت سیاسی اعلیحضرت با برنامه رفتارندم دات کام زیر سوال رفت از همان زمان افول و تحدید اعتبار اعلیحضرت ادامه یافت تا جایی که وصل شد به اتهامات و توهین و تحقیرهای نامه هشدار و واکنش بسیار ناچیز آن از جانب همان ۱،۲۰۰،۰۰۰ سلطنت طلب و یا ۷۰ میلیون ایرانی و خارجی که عقاید اعلیحضرت را پذیرفته اعلام شده اند.

با همه سعه صدر اعلیحضرت و اینکه عظمت و اعتبار قدرت سلطنت چیزی نیست که باین بادهای بلرزد و تشبیه بجای ابوخیر در این مورد خواندنی است که گفته:

مرغی که بر سر کوه نشست و برخاست بنگر که از آن کوه چه افزود و چه برجاست

ولی نمیتوان گفت که درروحیه اعلیحضرت این افول موثرواقع نشد واکنون که باردیگر درراهی قرار گرفته اند که ممکن است تاحدی جبران مافات شود. اینجاست که بطورطبیعی نشاط وهیجان ایشان آشکارشده است.

مثالش روشن است؛ کسی که ازشویی که بازحمت بالارفته سقوط میکند اگردربین راه با برخورد با سنگ ویا بوته ای سقوطش متوقف میشود بطور طبیعی زیرتاثیر خوشحالی قرارمیگیرد.

جعبه بگير و نشان

به برداشت این ارادتمند این برنامه همان جعبه بگير و نشان است که برای سرگرمی کودکان و عدم مداخله درکاردیگران ضرب المثل و معمول خانواده هاست تاباسرگرم کردن اعلیحضرت که بسیار هم آماده و علاقمند به این نوع سرگرمی ها هستند دیگران از مزاحمت ها و اقتدارسیاسی و محبوبیت اعلیحضرت مصون بمانند و بعداز آنکه آنها که باید بکارشان برسند رسیدند این جعبه هم از گردونه خارج خواهد شد.

کاملا درک میکنم که این برداشت بنده ممکن است برای بسیاری خوشایند نباشد ولی قرار مبارزه تامین خوشایندی افراد و حتی شخص اعلیحضرت نیست، وبقول معروف ما نباید نوکربادمجان باشیم باید گویای حقیقت باشیم **این توصیه ای است که شخص اعلیحضرت بکرات از همه مبارزان خواسته اند حقیقت هم درمبارزه تشخیص فردی و نظری نیست، حقیقت برخاسته از نص است.**

سابقه عمل

همانطور که اعلیحضرت هم درابتدای این برنامه پرسش و پاسخ اشاره فرمودند؛ از سابق گهگاه برنامه پرسش و پاسخ درسطح محدود روزنامه نگاران ایرانی درخارج ازکشور بویژه درلوس آنجلس جریان داشت که بیشتر آنها درسنگرها درج است؛ آن برنامه ها با برنامه جدید پرسش و پاسخ اعلیحضرت بسیار متفاوت است؛ و تغییرعلاقه و علت قطع آن مصاحبه ها هم درسنگرها مستور است که تجدید ذکر آن بازگویی مصیبت است.

از آن جریان که بگذریم نمونه سرگرمی اخیر اعلیحضرت را میتوان در رویه مراجع تقلید یافت که هریک دفتری دارند که مردم میتوانند سوالات خود را به آن دفتر بدهند و بعد پاسخ آنرا بگیرند؛ تفاوت دفتر مراجع با برنامه پرسش و پاسخ اعلیحضرت دراین است که دفتر مراجع فقط سوالات شرعی را برای جواب قبول میکند، و جواب را هم دفع الساعه نمیدهد و مرجع با مراجعه به کتب و ماخذ جواب را در دو کلمه که قابل بحث و نقد و تفسیر و سوء استفاه نشود میدهد؛ درست خلاف رویه مورد علاقه و عمل اعلیحضرت. علت اتخاذ رویه اختصار ازجانب مراجع این است که **وقتی روی سوالات زیاد صحبت شد سخنگو آنقدر تحت تاثیرکلمات خوب و سخن رسا قرارمیگیرد که احاطه ومدیریت خود را روی سوال از دست میدهد و بقول عوام گزک بدست مردم میدهد.**

بهرحال بنده سابقه ای ندارم که رهبریک مبارزه ویایک شخص عادی خودرا درموقعیتی قراردرد که **هر ایرانی هر سوالی از او کرد جواب مفصلی دریافت کند.**

مسئولیت در جواب

سوال و جواب ظاهراً چیز مهمی نیست؛ یک کسی چیزی میگوید و جوابی هم میگیرد، و این عدم مهم در مورد شخصیت ها یکسان نیست و شخصیت ها به اعتبار مقام و موقعیتی که دارند جوابشان واجد اثر حقوقی است؛ چرا که سوال در واقع نوعی ایجاب است و پاسخ آن نوعی قبول در مقابل ایجاب بحساب میآید، و از آنجا که قبول مقدمه الزام و تکلیف است، پاسخ یک شخصیت سیاسی میتواند نوعی اقرار و اعتراف نسبت به موردی تلقی گردد که متضمن حفظ منافع ملی نیست و یا دستاویزی بشود برای زمینه سازی بمنظور ائتلاف حقوق ملی و امثال آنها.

بهمین دلیل است که شخصیت های سیاسی و کسانی که خود را واجد مسئولیت میدانند سر چهار راه و یا اینترنت تلگرام و فیس بوک و غیره قرار نمیگیرند تا هرکس سوالی دارد جواب بدهد، میدانند که از چه کسی سوال میگیرند و به چه کسی و یا کسانی جواب میدهند و غالباً تا از سوال مطلع نشوند، تن به این ماجرای حساس نمیدهند.

شخصیت های سیاسی ابا دارند که حتی با تمامی کارکنان سرویس اخبار، طرف پرسش و پاسخ بشوند معمولاً از بین آنها کسانی را که اعتماد دارند و آنها را میشناسند برای طرح سوال انتخاب میکنند.

مقصود از این تصدیع، شاید هم ناموجه، این است که یک شخصیت سیاسی که از برنامه پرسش و پاسخ استقبال میفرمایند و سوال را سرمایه اعتبار خود بفرض میآورند، نمیتوانند از بین سوالات مطروحه سوالاتی را که خود میخواهند انتخاب و جواب بدهند و این نوعی تبعیض و ایجاد خفت برای آنهاست که اعلیحضرت به سوالشان توجهی نکرده اند و بجای ایجاد وحدت و همدلی، غبار کدورت و دشمنی و بذر دلسردی بین مردم پراکنده میشود.

اجازه بفرمائید از یک خاطره عینی استفاده شود؛ یکی از خواهرزاده های بنده که تحصیلات عالی مهندسی و کار مهمی هم در آمریکا دارد چند سال قبل برای دیدن بنده آمد، در حین صحبت دیدم دیدگاه های منفی خیلی سخت نسبت به شاهنشاه دارد، با پرسش بیشتر گفت؛ در ۲۸ امرداد با اتفاق چند نفر به کاخ سعد آباد برای دادخواهی رفتیم وزیر دربار آمد و بما گفت؛ شاهنشاه فرمودند که ۵ نفر از بین آقایان بیایند ببینیم چه میگویند؛ ما که در یک صف ایستاده بودیم ۵ نفر حرکت کردند، و نفر ششمی که من بودم مانع رفتنم شدند، چرا این تبعیض؟ من با دیگران چه فرقی داشتم من از آن تاریخ از شاه بریدم و.....

این حساسیت نادرست در رابطه با شاه و مردم است نه مردم، با مردم. مردم همانقدر که نسبت به مراسم شاه حساس و مفتخرند نسبت به بی مهری ایشان هم دوچندان حساسیت دارند، و در تطبیق مورد همینکه اعلیحضرت بهر علتی به تمام مطالب مطروحه سوال کنندگان پاسخ نفرمایند، نقض غرضی میشود که اعلیحضرت روی این برنامه حساب میکنند. بنده هم دیدم که چه مطالبی برخی از ایرانیان مطرح میکنند که شرم ایرانی است، ولی باید بدانیم که ما در جبهه جنگ و مبارزه قرار داریم و نباید از این قبیل تیراندازی ها بی انتظار باشیم، برنامه پرسش و پاسخ هر قدر که برای اعلیحضرت ایجاد همدلی و همفکری با ایرانیان است دوچندان واجد زمینه های فساد است که در طرح نامه هشدار وجود داشت و ظاهرش سوال است و باطنش خار مغیلان.

معلوم است که اعلیحضرت به همه پرسشها نمیتوانند ونباید جواب بدهند پرسشهایی که با اهانت و تحقیر به شاهان پهلوی و شخص اعلیحضرت صورت میگیرد ولی مشکل آنجاست که وقتی اعلیحضرت شخصا بدون ذکر قید وشرطی آمادگی خودشان را با دلشادی برای پاسخ به تمام سوالات جواب میدهند نمیتوانند به برخی ازسوالات جواب بفرمایند وبه برخی خیر و آتوقت این خودداری نوعی اقرار و سکوت تلقی میشود.

ازباب نمونه همین امروز خبری رسید که آقای دکتر نصر احمدی ازاعلیحضرت تحت عنوان جناب آقای رضا پهلوی تقاضا کرده که اجازه فرمایند تا برنامه پرسش وپاسخ بین ایشان و اعلیحضرت و مشاورینشان انجام شود.

توجه مهم - آقای نصر احمدی بدلایلی که درنامه خودشان اعلام شده فاقد صلاحیت برای پرسش وپاسخ با اعلیحضرت هستند دلایل این مهم درفرستی مطرح خواهد شد. (پایان)

تاقبل ازبرنامه پرسش وپاسخ چنین ادعائی خیلی قبیح تلقی میشد ومرسوم اعلیحضرت حتی بعنوان یک شهروند عادی نبود که طرف چنین درخواست هائی قرارگیرند، ولی با استقبال اعلیحضرت از طرح پرسش وپاسخ دشواراست که به درخواست آقای نصر احمدی که آنهم ایرانی است وفرقش با ایرانیان داخل کشورکه درآغوش پاسخ های اعلیحضرت قرار میگیرند، فقط اقامت درخارج است جواب موافق نداد.

رابطه مسئولیت با پرسش وپاسخ

پرسش درادبیات ما دارای دوم معناست یکی رفع ابهام و دیگری گدائی کردن.

رفع ابهام دررابطه با مسئولیت است که گفته اند سوال مستحب است ولی پاسخ آن واجب؛ مانند سوال از استاد - سوال نمایندگان مجلس از دولت - سوال فرمانده از مسئولین قسمتها، و امثال آنها، اما سوال به معنای گدائی وتبرعی سوالی است که شخصی از شخصی دیگر بدون وجود رابطه مسئولیتی مطرح میکند؛ مانند؛ پرسیدن نشانی ویا درخواست کمک مالی ویا دعای خیر، که دراینصورت طرف سوال مخیراست جوابی بدهد یا ندهد.

بنابراین برای اینکه بتوان برنامه پرسش وپاسخ مورد علاقه اعلیحضرت را درطبق نقد قرارداد مهمترین فصل آن آشنائی با موقعیت اعلیحضرت یعنی طرف سوال است.

فرض اول

فرض اول این است که گهگاهی اعلیحضرت هم اشاره فرموده اید که یک شهروند عادی هستند. این فرض مقرون به صحت نیست؛ زیرا درصحنه پرسش وپاسخ موقعیت طرف پرسش (اعلیحضرت) از طرف پرسش کنندگان یک شهروند عادی شناخته نشده است، اینکه چه شناخته شده مهم نیست بلکه آنچه که مسلم است یک شخصیت مسنول ومتصدی وضامن نظم آینده کشور شناخته شده اند و از آنجا که دررابطه ایجاب وقبول، قبول ناظر بر ایجاب است و از آنجا که ایجاب کننده (سوال کننده) اعلیحضرت را **درمقام**

یک شهروند عادی نمیداند لذا همینکه اعلیحضرت وارد پاسخ به سوال کننده شدند یعنی آنرا رد نکردند و خارج از صلاحیت خودشان ندانستند، تسلیم ایجاب شده اند یعنی در موقعیت مسئولیت قرار گرفته اند.

فرض دوم رهبری ابوزیسیون

این فرض در عین بی اعتباری قدری هم فکاهی است زیرا که:

✿ در خارج از کشور ابوزیسیون به معنای واقعی سیاسی وجود ندارد، بنقل قول از کسینجر که گفته است: <ابوزیسیون جمهوری اسلامی کجاست آدرس و شماره تلفن آن چیست؟>.

در خارج از کشور ده ها ابوزیسیون اسمی و غیر واقعی وجود دارد و هر روز هم یکی دوتا سربلند میکند یکی حکومت ملی شهرام همایون است و یکی هم فرماندهی سعید شمیرانی که با ۴۰ میلیون مرد مسلح آماده نجات ایران است و سومی که خیلی تازه روئیده آقای است بنام سیاوش امانیه که به ملت ایران اعلام کرده که <خانه ها و کوچه های منزلتان را پاک و جارو کنید که پیروزی بر ضحاک نزدیک است دویا سه ماه بیشتر فرصت نیست> و قرار است پرسشنامه هائی بدهد که حق تقدم افراد در اشتغال به مقامات کشورها شده حفظ شود، و یک خبر مهمی!! هم داده که ضحاک عقب نشینی کرد، و آن خبر اکنون به اینجا آورده میشود تا سطح درک و فهم ابوزیسیون های هرز هم شناخته شود.

خبر ریزی ابوزیسیون جنین است

<خامنه ای ضحاک صبح امروز در دیدار با رئیس جمهور و اعضای شورای عالی فضای مجازی این شورا را مرکز اصلی سیاستگذاری مسئولانه و مقتدرانه در خصوص فضای مجازی خواند، و با اشاره به گسترش روز افزون و پرسرعت پدیده ای عظیم و بی نظیر فضای مجازی تاکید کرد باید با استفاده از توانائی ها و استعداد های جوان کشور با سیاستگذاری صحیح و اقدامات سنجیده و هماهنگ و بدون از دست دادن زمان به سمت خروج از حالت انفعال در عرصه فضای مجازی و حضور فعال و تاثیر گذار و تولید محتوای اسلامی متقن و جذاب حرکت کنیم>.

خوانندگان محترم آیا این اظهارات سید علی بمنزله عقب نشینی اوست؟ و یا توجه او به ابعاد مبارزه؟ **وقتی درک نیست فقط جان در عذاب نیست، بلکه آدم بی درک جامعه و یا ابوزیسیون رابه گند میکشد** اما جالب در ادعاهای این آقا این است که متذکر هم شده که وعدهای ناجور مردم رانسبت به مبارزه دلسرد و کناره گیر میسازد و در واقع عمل خودش را تقبیح کرده است.

داستان عقب نشینی خامنه ای و دو ماه فرصت و دستورپاک سازی کوچه ها بمنظور جشن و شادی سقوط جمهوری اسلامی را بگذارید کنار آن فرماندهی سعید شمیرانی که با ۴۰ میلیون مرد مسلح آماده نجات ایران است، و بعد همه اینها را با درک خودتان و موقعیت جمهوری اسلامی میزان کنید آنوقت واقعا قبول

خواهید کرد که اپوزیسیونی وجود ندارد و تا بخواهید صحنه سازی برای فریب مردم و خودنمایی و احتمالاً لغت و لیسهای مالی است.^۱

فرض سوم رهبری

فرض عمومی ولی تصویری و بی پایه، فرض موقعیت رهبری مبارزه علیه جمهوری اسلامی برای اعلیحضرت است.

این فرض منتفی است زیرا شخص اعلیحضرت بارها فرموده اند: **«هرچه اصرار کنید نه کسی را انتخاب میکنم و نه رهبری میکنم»** و به همین طریق هم عمل فرموده اند یعنی نه کسی را بعنوان فرماندار و یا پیشکار سیاسی خودشان معرفی فرموده اند و نه عملاً و بپرستی درموقعیت رهبری قرار گرفته اند و این درحالی است که جریان مزبور کاملاً خلاف انتظار مردم است.

❁❁ اعلیحضرت نه تنها خودشان را درموقعیت رهبری ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی نمیشناسند بلکه درموقعیت رهبری یک حزب و یا دسته سیاسی هم خودشان را درمقام رهبری نمیدانند و به کرات هم فرموده اند که از هیچ دسته و گروهی حمایت نمیفرمایند. حتی در همان شورای تجزیه طلبان هم در مقام رهبری معرفی نشده اند و عنوان **ریاست شورا** را دارند که میدانید در کار سیاسی رئیس مفهومی ندارد و بجای آن عنوان رهبر است، و عنوان ریاست در مورد شخصیت های حقوقی که فعالیت های غیرسیاسی دارند بکار گرفته میشود و از سوئی چنانکه میدانیم در اسناد حقوقی شورا، ها، مقامی بنام رئیس شورا و طرز انتخاب و فصل اختیارات رئیس شورا وجود ندارد.

واقعیت موقعیت ایشان

واقعیت و حقیقت هر چیز و یا هر مقامی باید از روی سند شناخته شود نه از مجرای فرض که امری نظری و نامشخص است.

اسناد سیاسی و هویتی ملت ایران اعلیحضرت را شاه ایران یعنی مظهر قدرت معنوی و حاکمیت مردم میدانند شخص اعلیحضرت هم بر این مقوله معتبر سوگند یاد فرموده اند. همان سند مشروعیت اعلیحضرت که بصورت قانون اساسی مدون شده، برای آن مظهر قدرت و نماد ملی مردم و کشور **قائل به مسئولیت نیست** و چون مسئولیت ناشی از کار اجرائی است؛ لذا همان سند قانون اساسی شاه را از انجام کارهای اجرائی معذور ساخته است، و قدرت معنوی شاه را در انتخاب مدیران اجرائی قابل مصرف میدانند نه اینکه شخص شاه مستقیماً وارد عمل و دستور و قبول مسئولیت ها گردد.

۱ - به ویژه که هر چند تنی که گرد هم بیایند و اعلام موجودیت کنند دولت های پذیرنده و به ویژه آمریکا و انگلیس برای پراکنده کردن و اختلاف انداختن و مشوب کردن بین مردم ایران فوری دست به کار شده و مبلغی هم پول میدهند و این به اصطلاح اپوزیسیون قدر از این «سماق» میمکد و وقتی «سماق» تمام شد و دستشان رو شد و بی آبرو شدند، سروصدای آن گروه (باصطلاح) اپوزیسیون هم میخوابد. ح-ک

اعلیحضرت نیم نگاهی به فرمایشات مکرر خودشان که در معبر کارهای اجرائی قابل ارزیابی است بفرمایند و نقیض منطوق و مفهوم در آن بیانات را که سخت ناراحت کننده است را متوجه خواهند شد که تاجه حد تاثیر گذار منفی بوده است.

بنابراین اختصاری که بکرات مفصل آن عرض شده است پرسش و پاسخ از مراتب کارهای اجرائی است که در صلاحیت قانونی و حتی اخلاقی و سنتی اعلیحضرت در باور مردم نیست.

درست است که نفس عمل بصورت مردم داری خودنما میگردد و باعث دلشادی ایرانیانی میگردد ولی آثار حقوقی و رسوب برنامه مزبور سبب توجه مسئولیتی به اعلیحضرت میگردد که همانطور که ملاحظه کردید بعلت دخالت اعلیحضرت در مسئله اجرائی رفراندم دات کام سبب افول سنگین اعتبار و امید مردم ایران شد. ذات کار اجرائی اینجوری است که اگر خوب شد کار خود مردم شناخته میشود و اگر بد شد یکسره به شاه توجه داده میشود؛ چنانکه در همان برنامه شکست و رسوائی رفراندم دات کام، عطری گفت علت عدم مشارکت مردم دخالت رضا پهلوی و خانواده سلطنتی بوده است، (عطری کسی است که در کتاب اعلیحضرت مورد تجلیل هم قرار گرفته است).

اعلیحضرتا

در دیدار برخی از اعضا کنگره آمریکا آقای مک کین عبارتی بر زبان آورد که همان حقیقت و سرمایه ملی تاریخی ما ایرانیان است که در یاد ایشان باقی بوده است **او گفت: «رضا پهلوی رهبر معنوی ملت ایران است و وقت آنست که بزرگترین تمدن های شرق زنده شود».**

یعنی او که یک آمریکائی است و نسبت به کشور ما هم احساس نا مبارکی دارد این حقیقت را فهمیده که رمز بقا و سیر تمدنی کشور ما رهبریت معنوی اعلیحضرت است **پس اعلیحضرت و ما باید به حفظ و حراست از این قدرت معنویت که نگهدارنده سکان آرامش و رفاه و استقلال کشور و ملت بوده است بکوشیم و آنرا در جهت های باد حواث و اقسام کارهای مدیریتی، ضعیف و بی اعتبار نسازیم.**

ناتمام